

وصیت نامه شهید حسین قاینی

کدشناسایی: 1584729

کدبایگانی: 6219300

نام: حسین

نام خانوادگی: قاینی

نام پدر: احمد

تاریخ تولد: 1334/03/01

ش.ش: 13

محل صدور شناسنامه: بیرجند

تاریخ شهادت: 62/05/11

نوع حادثه: حوادث مربوط به جنگ تحمیلی

شرح حادثه: حوادث ناشی از درگیری مستقیم با دشمن - توسط دشمن در جبهه

استان: بنیاد شهید استان خراسان

شهر: اداره بنیاد شهید بیرجند

بسم الله الرحمن الرحيم

((ان ... يحب الذين تقاتلون في سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص))

((همانا خداوند دوست دارد کسانی را که در راه او مانند سدی آهنین استوار و

پایدارند))

خدایا ! گامهای ما ، حرفهای ما را ، نیت ما را ، حرکت ما را که فقط و فقط برای توست
مورد قبول درگاهت قرار بده .

خدایا ! تو میبینی که عزیزان ما عاشقانه همچنان قاسم و اکبرها ، حنظله وار به
میدان مبارزه میتازند و همانا آرزوشان شهادت است . همه و همه بخاطر اوست و با
این دست و سرهای از تن جدا و شکم و پهلوهایی پاره پاره به این مسئله خوشحالند
که در آخر سرافرازند .

اینجانب حسین قائنی عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیرجند در موخه
60/12/1 در مشهد مقدس کنار قبر امام هشتم با کمال رشادت و خوشحال از اینکه
اعزام به جبهه هستم وصیت نامه خود را مینویسم ، در موقعی که سراپا غرق در گناه
هستم و از خداوند تبارک و تعالی تقاضای عفو نموده آرزو دارم که به شهادت برسم
گرچه مدت یکسال و اندی هست که من غسل شهادت می کردم و این طعمه نصیب
من نشده است و اینراه سعادت میخواهد ولی عاجزانه از خدا میخواهم از این سفر با
یک دنیا سرافرازی برگردم .

دختر 10 ماهه ام با تربیت صحیح مادرش باید آنچنان سیلی بدهان منافقین و صدام
و آمریکا بزند که من در قبر روحم شاد باشد .

همسرم با صبر و استقامت در مشکلات باید تمام موانع و سنگ اندازیهایی که
منافقین میکنند همچنان صبور باشی .

مادرم ، پدرم ، خواهرم و ای همه کسانی که دلتان برای امام و انقلاب می
تپد چگونه ما ساکت بنشینیم که خون صد هزار شهید و خون 72 تن ها و رجائیهها و
باهنر و هاشمی نژاد و دستغیب و بهشتی مظلوم و چمران و ... را این منافقین ملحد از
خدا بی خبر پایمال کنند .

چگونه ما و من ساکت بنشینیم که در مرز بدست سربازان کافر و نیروی بعث عراق جنایتکار جنایات ناموسی صورت بگیرد .

مادرم و مادرهای همه این ملت مظلوم ، چگونه ما ساکت بنشینیم که تلویزیون یک کودک خردسال 10 ماهه را به معرض نمایش بگذارد که بدست افراد از خدا بی خبر صدامی شهید میشود .

پس ای همه ملت مظلوم ، خروش برآورید و بپاخیزید که اگر خدای ناکرده این منافقین و این جنایتکاران شرق و غرب بر ما غلبه کردند دمار از روزگار تو برخواهند آورد ، ولی آنها باید بدانند که خودشان و یارانشان باید این آرزو را بگور ببرند .

من بعنوان یک برادر کوچکتر از همه شما به همگی تان اعم از شهری و روستائی حجت را بر شما تمام میکنم که از این حال بیرون آئید و شماهاییکه گوشه نشینی را انتخاب کرده اید و شمائی که از دور نظاره میکنی و شمائیکه از روی آگاهی یا عدم آگاهی به عناوین مختلف ضربه به انقلاب میزنی .

با توام برادر عزیز بازاری ، بدانید همگی که خداوند بر ذره ذره کارهای خوب و بد ما آگاه است و باید جواب بدهیم ، بیدار باش .

خدایا ! خدایا تو خودت کرمی و لطفی عنایت فرما تا بتوانیم با این نفس که هر لحظه ما را به ورطه نابودی میکشاند مبارزه کنیم و رضای تو را جلب کنیم .

ای خدای بزرگ آیا من قبول کنم که با این زحمات ناچیز مرا پذیرفته ای به سوی خودت .

مادر جان و همسرم ، اگر من شهید شدم گریه نکنید بر جنازه ام که باعث شادی دشمن خواهد شد .

به برادران پاسدار عرض میکنم که سلام مرا به امام عزیزم برسانید و از قول من به امام بگوئید که حسین قاضی در وصیت نامه اش نوشته بود :

اماما ، دیوانه ات بودم از روزی که شما را دیدم ، دیوانه تو شدم . بگوئید به امام دعا بکنند خداوند گناهان همگی را عفو بفرماید.

و به شما مردم میگویم که فریاد بزنید :

خدایا ، خدایا ، تا انقلاب مهدی ، خمینی را نگهدار از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفز

به تمام کسانی که با آنها در رابطه بودم ، حتی برادرانم و خواهرم و همسر و پدر و مادر و اقوام خودم اعلام میکنم هر کس غیر خط امام باشد و غیر این خط حرکت کند و خدای ناکرده امام را بیازارد حق ندارد بر مزارم نزدیک شود .

من از همه کسانی که در طول عمر ناچیزم به آنها بد کردم ، عذر میخواهم .

من از همه کسانی که آنها را به زبان آزرده ام ، عذر میخواهم ، نه آنانی که حق ملت محروم را در شهر و روستا بالا کشیدند ، نه آن کسانی که بر مردم زور و ظلم کردند و مردم را به زنجیر کشیدند .

خداوند به همگی ما یک تقوا و صداقتی کامل عطا فرماید تا بتوانیم بهتر انجام وظیفه کنیم .

مجددا از همسرم میخواهم که روحم را با تربیت صحیح دختر بچه نازنینم ، شاد کنند گر چه خودم آرزوها دارم که این دختر چه بشود و کجا بفرستم . اما امیدوارم به وصایای من عمل کرده باشید تا روحم شاد باشد .

ضمنا یادآوری میشوم که اگر انشاءالله شهید شدم ، محل دفن من در درخش کنار قبر جده ام باشد .

حسین قاینی

سلام گرم و صمیمانه مرا به برادران و خواهران حزب ا... بجنورد برسانید و شهادتم را
به امام جمعه بجنورد حجت الاسلام مهمانواز اطلاع دهید .

والسلام علیکم و رحمه ا... و برکاته بتاریخ 1360/12/1 حسین قاینی